

## «قیام حسینی در برابر جاهلیت اولی؛ قیام خمینی در برابر جاهلیت مُدرن»

### مبحث اول

با فرا رسیدن محرم، فصل جدیدی از خداپرستی و توحید آغاز می‌شود و همانطور که در جامعه شیعه ملموس و مشهود است، طراوت و شور معنوی جدیدی بوجود می‌آید. وقتی قلوب محبین اهل بیت عصمت و طهارت متوجه و متذکر افعالِ بی نظیر و با عظمت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و مظلومیت و مصائب آن حضرت می‌شود، در پرتو آن ذوب شده و تمایل به دستگاه الهی و انزجار از دستگاه طغیان پدید می‌آید. با توجه به حدیث شریف (هل الدین إلا الحب و البغض)، این حب و بغض، موجب حیات دوباره برای امت دینی می‌شود و نهایتاً تمایلات تهذیب می‌گردد. لذا در زیارت شریف «جامعه کبیره» خدمت حضرات معصومین (ع) عرضه می‌دارید: «وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَايَتِكُمْ طِيْبًا لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لَانْفُسِنَا وَ تَزْكِيَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوْبِنَا» این صلوات و درودی که ما بر شما می‌فرستیم و این عرض ارادتی که ما به شما می‌کنیم و تولی به ولایت شما که از جانب خدا به ما هدیه داده شده است، موجب طهارت و تزکیه نفس و کفاره گناهان ما می‌شود و خلقت ما را طیب و طاهر می‌کند. یعنی نرم‌افزاری الهی است که بدون ریاضاتِ خاص عرفانی و بالاترین سرعت، تطهیر قلوب را محقق می‌کند. وقتی برای شخصی، مریضی روانی پیش می‌آید چقدر باید به روانکاو و روانپزشک مراجعه کند و قرص بخورد و دوره درمان نه چندان کوتاهی را طی کند و دوره نقاهتی را پشت سر بگذارد؟! اما در دستگاه اهل بیت با فرا رسیدن محرم با بالاترین سرعت بدون ریاضاتِ خاص عرفانی و سختی‌های خاص درمانی، این نرم‌افزار الهی موجب تطهیر قلوب و تمایل به دستگاه الهی می‌شود.

علاوه بر اینها در محرم بالاترین سطح عقلا نیت نیز بدون پیچیدگی‌های فلسفی قابل تحقق است. می‌دانید که فلاسفه بدنبال تحلیل عمیق از جهان خلقت هستند و می‌گویند به جهان خلقت نگاه ظاهری نکنید بلکه آن را دقیق و عمیق بفمید. آنها می‌خواهند باطن جهان خلقت را به خوبی بشناسند. اما جامعه شیعه با توجه به مصائب حضرت سیدالشهدا (ع)، بدون پیچیدگی‌های فلسفی، با باطن و حقیقتِ خلقت همراه و آگاه می‌شود. حقیقتِ هستی چیست؟ یک فراز آن در زیارت مطلقه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) — که شیخ المحدثین، مرحوم شیخ صدوق (ره) سند آن را از قوی‌ترین سندها میان زیارات حضرت می‌داند — آمده است: «أَشْهَدُ أَنْ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَأَقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظْلَةُ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ وَبَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى». «شهادت می‌دهم که خون تو در بهشت جاوید آرام گرفته است و سقف عرش بر اثر این مصیبت به لرزش در آمده است و همه مخلوقات جهان بر این مصیبت گریه می‌کنند و هر چیزی که الآن در بهشت و جهنم در حال تقلب و دگرگونی و حرکت است گریه می‌کند و نیز هر چه که دیده می‌شود و دیده نمی‌شود.» باطن هستی در حال عزاداری برای اباعبدالله است و شیعه بدون

پیچیدگی‌های فلسفی، با توجه به مصائب سیدالشهدا با باطن و حقیقت خلقت همراه می‌شود و با گریه بر مصائب سیدالشهدا، این قابلیت را پیدا می‌کند که فیلسوف‌ترین فیلسوف‌ها شود. یعنی محبین به میزان توجه و استفاده‌شان می‌توانند در عزاداری‌ها از قوی‌ترین عقلانیت‌ها بهره‌مند شوند. در واقع ظرفیت این مصیبت این است که بدون ریاضات عرفانی و پیچیدگی‌های فلسفی، بالاترین ثروت را در جهت تکامل معنوی جامعه شیعه به ارمغان می‌آورد.

از طرف دیگر روشن است که ماه محرم، فصل غوطه‌ور شدن در غم اهل بیت و مصائب حضرت سیدالشهدا (ع) است. این غم و سوز و گریه و عزاداری نیز ریشه در حقیقت خلقت دارد. نباید توهم شود که شیعه طی یک قرارداد اجتماعی است که با فرارسیدن اول محرم به عزاداری مشغول می‌شود. در روایتی از حضرت رضا (ع) است که وقتی محرم فرا می‌رسید، خنده بر لبان پدرم دیده نمی‌شد، بغض بر ایشان مستولی می‌شد. حقیقت حرارت و سوز محرم که هر ساله تشدید می‌شود به ما باز نمی‌گردد بلکه تا وقتی انتقام آن خون مطهر گرفته نشود، تمام مصائبی که در عاشورا بر وجود مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) وارد شد، هر ساله بر وجود مبارک حضرت ولی عصر (عج) وارد می‌شود. اگر می‌بینیم که در حالات جامعه شیعه دگرگونی پدید می‌آید و امت شیعه برای عزاداری به حرکت در می‌آید فقط به خاطر این است که تمام آن مصائب بر روح و جسم حضرت ولی عصر (عج) نازل می‌شود. «إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلُهُ وَ فَرْعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ» هر جا که نامی از خیر و نیکویی باشد، شما اول خیر و ریشه آن و فرع آن و معدن آن و مبدأ و منتهای آن می‌باشید. اگر فرض کنیم که انتقام حضرت سیدالشهدا گرفته می‌شد آیا این مصائب بر حضرت ولی عصر (عج) وارد می‌شد؟ خیر. «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَارُ اللَّهُ وَابْنُ تَارِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ تَرُّ اللَّهُ الْمُؤْتَوِّرُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» تقلب احوال حضرت ولی عصر به خاطر این است که هنوز انتقام خون جدشان گرفته نشده است. چون جامعه شیعه علی‌رغم آن بهره‌هایی که برای تجدید عهد خداپرستی و سیر تکامل معنوی در محرم می‌برد، نتوانسته است برای انتقام خون سیدالشهدا (ع) زمینه‌سازی کند. یعنی جامعه شیعه بعد از عزاداری‌هایشان در محرم به دلایلی که قرار است در سیر این مباحث روشن شود، دوباره مشغول زندگی روزمره خودشان می‌شوند و در زمینه‌سازی و نصرت و یاری برای ظهور و انتقام خون حضرت سیدالشهدا موفق نمی‌شوند یا این حرکت به کنندی انجام می‌گیرد. لذاست که محرم سال آینده همان مصائب بر حضرت ولی عصر (عج) نازل می‌شود. لذا از یک طرف، امت محمد و آل محمد (ص) بعنوان امت مرحومه و افضل امتها در معرض استفاده از این نعمات (محرم و عاشورا...) قرار می‌گیرد و تجدید عهد برای او رقم می‌خورد و از طرف دیگر به خاطر موانع روحی و ذهنی و عینی برای تکامل بخشیدن به عرض ادب خود به ساحت اهل بیت، برایش معلوم نیست که به چه میزان توانسته برای انتقام خون سیدالشهدا زمینه‌سازی کند. پس این عزاداری‌ها از یک طرف برای جامعه شیعه بزرگترین ثروت و موهبت الهی است و از طرف دیگر لازم است که قصور و تقصیری که در آن وجود دارد، پیدا کنیم و بعد از آن خدمت حضرت ولی عصر (عج) استغفار کنیم و از ایشان طلب کنیم که با پرورش خودشان به ما کمک کنند که عزاداری‌ها را تکامل ببخشیم.

البته روشن است که سیر عزاداری‌های تاریخ شیعه در حال تکامل است: یک «عزاداری سنتی» وجود داشت که در آن شیعیان جمع می‌شدند و گریه و سوز و ناله برای مصائب اهل بیت می‌کردند و ثواب می‌بردند و به برکت آن، در حوائج فردی حاجت‌روا می‌شدند. اما در این صد و پنجاه سال اخیر با توجه با هجومه‌هایی که دستگاه ابلیس به جامعه ایمانی وارد آورده

است، تغییرات و پیشرفت هایی در این عزاداری ها بوجود آمده است. شما ملاحظه کنید که سرآغاز نهضتِ نورانی حضرت امام خمینی (ره) — که در واقع همه‌ی این عزاداری‌های امروز ما، مدیون شجاعت و بصیرت و فقاقت ایشان نسبت به زمان و مکان است — در محرم سال ۴۲ رغم خورد. یعنی عزاداری سنتی که در گذشته معمول بود به «عزاداری مبارزاتی» تبدیل شد. حضرت امام (ره) از این ثروت بزرگ و سرمایه اصیل جامعه شیعه استفاده کرد برای اینکه مقابل مظالم کفار بایستد. در خاطرات نقل است که ایشان در آن ایام خواب نداشتند، چرا که دائما از طریق نامه‌نگاری در حال هماهنگی علمای بلاد بودند تا از ظرفیت عزاداری‌های محرم برای مقابله با حکومت شاه بهترین استفاده انجام بگیرد. بعد از آن، راهپیمایی روز عاشورا سال ۵۷ در تهران بود که سقوط رژیم پهلوی را قطعی کرد. شاه وقتی سوار بر هلی کوپتر موج جمعیت را در خیابان های تهران دید، تصمیم به فرارش تقریبا قطعی شد. این نقاط از تاریخ، زمان‌هایی است که عزاداری سنتی که تاثیر خاصی بر سرنوشت اجتماعی شیعه نداشت، به عزاداری مبارزاتی تبدیل می شود. این شروع یک حرکت تکاملی است که قابل مشاهده است. در سالهای اخیر، وقتی فتنه ۸۸ رخ داد و به تعبیر مقام معظم رهبری حفظه الله دشمن موفق شد نسبتا به وحدت جامعه ضربه بزند و کشور را به لبه پرتگاه برسد، دوباره محرم حضرت سیدالشهداء (ع) بود که این شکاف را تا عمق زیادی ترمیم کرد و انگیزه‌های مردم را در دفاع از نظام اسلامی به میدان آورد. لذا تکامل عزاداری ها در طول تاریخ جامعه شیعه امری غیرقابل انکار است.

اما اگر ما بخواهیم عزاداری خودمان را در مسیر عزاداری حضرت ولی عصر (عج) قرار بدهیم این عزاداری کافی نیست. چرا که فشار و مصائبی که به سبب عدم انتقام خون جدشان بر وجود مبارک ایشان می‌آید بسیار بسیار فراتر از این نحوه عزاداری است که ما آن را بجا می‌آوریم. اگر شیعه بخواهد خود را به آن نزدیک کند باید چه مطالبی را مورد توجه قرار دهد؟! از حضرت سیدالشهداء (ع) خطاب به فرزندشان امام سجاد (ع) نقل شده است: «لایسکن دمی حتی یظهر الله المهدی!» وقتی حضرت یحیی (ع) به شهادت رسید، خدای متعال بُخت النصر را بر آن قوم مسلط نمود. پیرزنی به او گفت: در این شهر خونی غلیان می‌کند. گفت چه کنم؟ گفت: کسانی که در برابر ظلم وارد بر حضرت یحیی سکوت کردند و پذیرفتند را بکش تا این خود آرام بگیرد. در روایت هست که او هفتاد هزار نفر را کنار خون در حال غلیان حضرت یحیی کشت تا آن خون از جوشش ایستاد. بعد از بیان این داستان حضرت سیدالشهداء خطاب به فرزندش می‌فرماید: خون من ساکن نمی‌شود و از جوشش باز نمی‌ایستد تا زمانی که خدای متعال ظهور را برای مهدی (عج) رغم بزند. لذا اگر ما به عهدمان نسبت به حضرت ولی عصر (عج) وفا نکنیم، این خونی که در حال غلیان است — که در زمان حضرت یحیی به چشم سر دیده می‌شد ولی اکنون دیده نمی‌شود — از جوشش باز نخواهد ایستاد. بنابراین باید عزاداری‌های ما برای تغییر سرنوشت جامعه شیعه حرکت جدیدی را آغاز نماید تا تکامل مادی و زندگی روزمره را به تبع تکامل معنوی تعریف کند.

شما در جبهه مقابل مشاهده می‌کنید که کفار، خرج‌های بسیاری صرف می‌کنند برای اینکه مردمی را گرد هم بیاورند؛ از تلاششان برای حضور یک جمع در یک میتینگ حزبی تا اوج آن که در موضوعاتی چون المپیک و جام جهانی و اسکار جریان دارد! چنان افتتاحیه و اختتامیه‌ای برای المپیک برگزار می‌کنند که تمام کشورها و ملل و ادیان و مذاهب در آن شب علاقه مند به دیدن این مراسم‌اند. همه کشورها تمام نیروی جوانانشان را در طول چهارسال متمادی، در قالب ورزش‌های سازمانی و صرف بودجه‌های کلان و بهترین مربی‌ها بسیج می‌کنند تا اینکه در مسابقات المپیک مدال و افتخار بیشتری نسبت به سال

گذشته دریافت کنند. سپس تاثیر این همه فعالیت را در افزایش ثروتشان ملاحظه می کنند تا هر یک از این امور توجیه اقتصادی پیدا کند. از طرف دیگر محاسبه می کنند که این امور چقدر حالت خمود و تخدیر و سکون مردم جهان را کاهش داده است تا بعد از مراسم المپیک با نشاط جدیدی به چرخه کار و اقتصاد بازگردند و کار کنند. ببینید در طول چهار سال برای مجتمع کردن کشورها و جمع کردن سلاقی و ذائقه ها چه امور پیچیده سازمانی بکار می بندند و چه آرایشی از شهوات را فراهم می کنند تا اولاً روحیه مردم جهان را که بخاطر دویدن برای رفاه دنیا دچار خستگی شده است را متحول و بلکه به فراموشی بسپارند و ثانیاً درآمد کشورشان را از توریسم و صنعت ورزش و... بالا ببرند. دستگاه کفر اینچنین برنامه های جمعی خود را سازماندهی می کنند و با هزینه های کلان و محوریت دادن به انگیزه های مادی، جمعیت ها را گردهم می آورند.

حال ما در عرصه معنویت چه حرکت سازمانی برای «عزاداری حکومتی» انجام دادیم؟! مصائب اباعبدالله که می تواند کل جامعه شیعه را بر محور انگیزه های اخروی و با کمترین هزینه مادی بسیج کند و گرد هم بیاورد، چه اثراتی در سرنوشت جامعه ما و کمک به آن برای عبور از چالش های اجتماعی دارد؟! به نظر می رسد عزاداری های ما باید به سطح عزاداری حکومتی ارتقاء پیدا کند آن هم در زمانی که حکومت اسلامی به دست مومنین افتاده است. عزاداری های ما باید به مبنایی برای حل چالش های موجود نظام — که مقدمه ظهور خواهد بود — باشد. در غیر این صورت ما به عهدمان نسبت به حضرت ولی عصر (عج) وفا نکردیم! اگر چنین شد، «فمن یقلب علی عقبیه فلن یضرب الله شیئا»! اگر ما به عقب بازگردیم و ظرفیت جدیدی را که خدای متعال برای جریان دین در عرصه اجتماع به ما عطا کرده، استفاده نکنیم، آنگاه ملت ایران که با اسلام عزیز شده است، دچار مشکلات بزرگی خواهد شد و به تعبیر مقام معظم رهبری سیلی خواهد خورد! باید مشخص کرد که چطور این همه جمعیت که در محرم ها بر محور انگیزه های اخروی — بدون آن همه خرج های کلان دولتی و شهوات دنیایی جامعه کفر — جمع می شوند را می توان پشتوانه حل مسائل نظام اسلامی قرار داد؟

این سخن بسیار تکان دهنده ای از مقام معظم رهبری است که علی رغم کثرت بیاناتشان در تمجید ملت ایران، می فرمایند اگر شخصیت حضرت امام (ره) تحریف شود ملت ایران سیلی خواهد خورد!! این چه خطری است که در خطاب به حوزه می فرمایند: حوزه مراقب باشد انقلابی گری از آن رخت بر نبندد! خطاب به مجلس خبرگان می فرمایند: خطر حذف انقلابی گری از مجلس خبرگان وجود دارد. خطاب به دولت می فرمایند: هویت انقلابی باید در برنامه ریزی های دولت مبنا قرار بگیرد! خطاب به شورای عالی امنیت ملی می فرمایند: کارشناسی در شورای عالی امنیت ملی باید بر اساس هویت انقلابی باشد! در دیدار با اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام می فرمایند: هویت انقلابی باید بر سیاست های مجمع حاکم باشد. تمام اینها معنای این است که «هویت انقلابی» در معرض خطر است و مورد تهدید واقع شده و اعلام جنگ فرهنگی و اقتصادی از سوی رهبری نیز بر همین اساس است. اگر فردا به شما بگویند قرار است حداقل هویت شما که نام فامیلی شماست — که به قول آقایان وجود لفظی است — را از شما بگیرند چه حالی پیدا می کنید؟! لرزه بر اندام شما می افتد! چون نسبت انسان با پدر و مادر و خانواده زیر سوال می رود و سند خانه و ماشین و دارایی ها و... که به این نام ثبت شده، دچار مشکل می شود و در این صورت چیزی از زندگی انسان باقی نمی ماند! حال رهبری می فرمایند «هویت انقلابی» آن هم در سطح ساختارهای نظام و ارکان اصلی نظام در معرض خطر است! اگر انگیزه های مذهبی در عزاداری ها تکلیف خطری که

توسط رهبری اعلام شده را مشخص نکنند و مجالس عزای اباعبدالله در این چالش و برای عبور از این امتحان، مددکار جامعه شیعه نشود، پس از چه نهادی باید انتظار داشت؟! واقعیت آن است که چالش‌های یک نظام اسلامی تنها بر اساس انگیزه‌های دینی حل خواهد شد و مرکز رشد و تقویت و هدایت انگیزه‌های دینی در عزاداری هاست. حال ما در منابر و اشعار و سخنرانی‌ها در عزاداری‌ها چه جهتی را برای مردم شکل می‌دهیم تا بنابر آن، عزاداری‌ها موتور محرکه حل مسائل نظام اسلامی شوند. مسائل نظام، جنگ فرهنگی و اقتصادی است نه حرکت سیاسی این شخص و آن گروه! بنابراین اگر عزاداری‌های ما بخواهد در مسیر انتقام خون سیدالشهداء (ع) و وفای به عهد حضرت ولی عصر (عج) قرار بگیرد، همانطور که از «سطح سنتی» به «سطح مبارزاتی» ارتقاء پیدا کرد، دوباره باید از «سطح مبارزاتی» به «سطح حکومتی» برسد که این مهم، نیازمند توضیح و توجیه عقلانی و درکی جدید از عاشورا و نسبت آن با جامعه امروز ماست که ان شاء الله در مباحث آتی به بیان آن می‌پردازیم. «نقش قیام عاشورا در فلسفه تاریخ و جوامع الهی» از یک طرف، و «چگونگی جهت‌دهی قیام عاشورا در زمان حاضر» از طرف دیگر، عناوین مباحثی است در آینده بیان خواهد شد. البته همه به صورت وجدانی می‌دانیم انقلاب اسلامی ایران، مدیون عاشورا است اما اگر ما این مهم را به صورت عقلانی و استدلالی تحلیل نکنیم، آنوقت کسانی که استدلال و تخصص دارند حرکت نظام را به مقصود خود مصادره می‌کنند که این تخصص در زمان ما به دست کارشناسی غربی است که همه جهان با آن اداره می‌شود. اگر ما نتوانیم عزاداری‌هایمان را در «سطح حکومت» ارتقاء دهیم، آن وقت اجتماع شیعه در عزاداری‌ها به خرده فرهنگ در اقوام و سنن تبدیل خواهد شد و حرکت نظام نیز به دست کارشناسی غربی خواهد افتاد. دقیقاً مثل آن چیزی که الآن در کشورهای غربی اتفاق می‌افتد که می‌گویند: ما مشکلی نداریم که سیک‌ها و سنی‌ها و شیعیان و بودایی‌ها و... هر کدام به شعائر مذهبی خود عمل کنند؛ اما آیا حقیقت‌شان عزاداری اباعبدالله (ع) این است؟! خونی که عرش خداوند را به لرزه انداخته است چنین شأنی دارد که مثل خرده فرهنگ‌ها و سنن و مذاهب با آن برخورد شود؟!!